

مفهوم بازگشت به خویشتن در اندیشه جلال

۱۸ خرداد ۱۴۰۳ ساعت ۱۲:۳۳

در بخشی از کتاب غرب‌زدگی جلال و در انتقاد به گسترش فرهنگ غرب آمده است: «ایران از لحاظ مؤسسات آرایشگری و سلمانی شانزدهمین کشور دنیا است... در تهران ۲۲۰۰ سلمانی مردانه و زنانه با پروانه و ۲۵۰۰ سلمانی بدون پروانه دایر است... با مقایسه با لندن که ۴۲۰۰ سلمانی زنانه و مردانه دارد و در مسکو که ۳۹۰۰ آرایشگر کار می‌کند، می‌توان فهمید که تا چه اندازه در چند سال اخیر، مردم تهران به حفظ ظاهر خود اهمیت می‌دهند.»

جلال آل احمد از نویسندگان و فعالان سیاسی دوره پهلوی از جمله افرادی بود که با عدول از اندیشه‌های اولیه خود، موضوع بازگشت به خویشتن را مطرح کرد. جلال که در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمده بود، در دوره نوجوانی و جوانی جذب اندیشه‌های مارکسیستی شد، اما بعد از مدتی با رها کردن این اندیشه‌ها و به پیروی از برخی اساتید خود، موضوع بازگشت به خویشتن را مطرح کرد. موضوع بازگشت به خویشتن در اندیشه‌های جلال موضوعی گسترده بود که باید تحقق می‌یافت.

کارنامه سیاسی جلال قبل از بازگشت به خویشتن

جلال در دوره جوانی به احزاب و گرایش‌های سیاسی متعددی متمایل شده که عمده آنها چپ‌گرا بودند. او در ۱۳۲۳ش به حزب توده پیوست و یکی از فعالان مطبوعاتی آن شد و در نشریات این حزب مقاله نوشت و مدتی مدیر داخلی مجله ماهانه مردم بود. در ۱۳۲۵ش دوره دانشسرای عالی را به پایان برد و سپس در مدارس تهران معلم شد. در تیرماه ۱۳۲۶ش به عضویت کمیته ایالتی تهران حزب توده درآمد و در ۱۳ دی ماه همان سال به عنوان اعتراض به عدم استقلال رهبری این حزب و فقدان دموکراسی در آن، همراه با گروهی به رهبری خلیل ملکی، از آن انشعب کرد.^۱ با این حال جلال بعد از چند سفر به کشورهای مختلف از جمله سفر حج، در سال ۱۳۴۷، دچار تحولات فکری شد و دست به نگارش چند کتاب زد که غرب‌زدگی از جمله آنها بود. یکی از موضوعات محوری این کتاب، موضوع بازگشت به خویشتن بود که در چند محور خلاصه می‌شد.

مفهوم بازگشت به خویشتن در اندیشه جلال

بازگشت به خویشتن در اندیشه جلال «به معنای تأکید مجدد بر نظام ارزش‌ها، فرهنگ، تاریخ و دین، عقیده و ایدئولوژی خویش می‌باشد. در این رویکرد، اقتباس از تکنولوژی و دانش غربیان از روی تشخیص صورت می‌گیرد و برداشت‌هایی که با اسلام اصیل منافات دارد، طرد می‌شود.»^۲ البته این نوع طرد شدن به خصوص در عرصه تکنولوژی به معنای ضدیت جلال با پیشرفت و توسعه نیست، بلکه تأکید او بر بومی کردن توسعه و مظاهر تکنولوژیکی آن و سازگار کردن آن با نیازهای داخلی است. در واقع آل احمد

نه تنها ماشین را طرد نمی‌کند، بلکه در پی تسلط و سلطه یافتن بر آن است. به باور او بحث از نفی ماشین نیست... دنیا گیر شدن ماشین یک جبر تاریخی است. بحث در طرز برخورد هاست با ماشین و تکنولوژی.^۳

جلال، توسعه به سبک غرب و به تعبیری غرب‌زدگی را عامل جدایی از سنت‌های گذشته می‌داند. سنت‌هایی که گرچه در بعضی از موارد لازم است، اما در بیشتر امور، حاصل آن ایجاد تضادهای گوناگون است. شهرنشینی از جمله این تضادهاست که جلال به آن اشاره صریحی دارد. در نگاه جلال تمایل به شهرنشینی که لازمه زندگی جدید متأثر از غرب است، ملازم با رها شدن از سنت‌های گذشته است که آل احمد به عنوان اولین تضاد ذکر کرده است. او خود در این مورد می‌نویسد: جبر ماشین، شهرنشینی می‌آورد و این شهرنشینی دنباله‌ای از کنده شدن از زمین است. برای اینکه به شهری مهاجرت کنی باید از ملک آباد و اجدادی کنده شوی یا از ده اربابی بگریزی یا از سرگردانی ایل خسته بشوی و فرار کنی و این است نخستین تضادی که حاصل غرب‌زدگی ما است.^۴

اما یکی از مظاهر و وجوه اصلی جلال در طرح بازگشت به خویشتن در حوزه فرهنگی است. حجاب و گسترش بی‌بند و باری از جمله این موضوعات است. جلال یکی از منتقدان اصلی در زمینه رواج فرهنگ غرب به ایران بود و معتقد بود باید اقدامات مهمی در راستای ممانعت از گسترش فرهنگ غرب صورت بگیرد. از همین رو، او بازگشت به خویشتن را عامل مهمی در این راستا می‌دانست. در بخشی از کتاب غرب‌زدگی جلال و در انتقاد به گسترش فرهنگ غرب آمده است: «ایران از لحاظ مؤسسات آرایشگری و سلمانی شانزدهمین کشور دنیا است... در تهران ۲۲۰۰ سلمانی مردانه و زنانه با پروانه و ۲۵۰۰ سلمانی بدون پروانه دایر است... با مقایسه با لندن که ۴۲۰۰ سلمانی زنانه و مردانه دارد و در مسکو که ۳۹۰۰ آرایشگر کار می‌کند، می‌توان فهمید که تا چه اندازه در چند سال اخیر، مردم تهران به حفظ ظاهر خود اهمیت می‌دهند.»^۵

جلال راه‌حل‌های متعددی برای بیرون آمدن از وابستگی به غرب و بازگشت به خویشتن ارائه می‌دهد. او که دور ماندن از هویت اصلی را متأثر از عوامل متعدد می‌داند، برای بازگشت به خویشتن هم راه‌حل‌های متعدد طرح می‌کند. با این حال در میان راه‌حل‌های ارائه شده بازگشت به دین یکی از راه‌حل‌های مهم جلال است. «بازگشت آل احمد به هویت خویش، مقارن و مترادف با گرایش او به مذهب است و این‌ها خود، محصول تحولات زندگی و اندیشه او در سال‌های آخر زندگی‌اش بود؛ محصول دورانی که اسلام در چرخه تکامل اجتماعی، راه احیا و بازسازی و بازشناسی خود را می‌پیمود و زمانی که مکاتب عمده فلسفی - اجتماعی آزمون خود را داده و موفقیت قابل اتکایی به دست نیاورده بودند.»^۶

البته جلال تنها به این راه‌حل اکتفا نمی‌کند. او علاوه بر نقش دین و نهادهای مرتبط با آن بر نقش روشنفکران و همکاری آنان با روحانوت نیز اشاره کرده و معتقد بود همکاری این دو گروه برای بیرون آمدن از وابستگی و بازگشت به خویشتن بسیار مهم و تعیین کننده است. تأکید جلال بر همکاری روحانوت و روشنفکران به حدی زیاد است که از نظر او نه تنها تضادی میان این دو گروه وجود ندارد، بلکه جدایی آنها اساساً غیرممکن است.

سخن نهایی

بازگشت به خویشتن در اندیشه جلال از جمله موضوعاتی بود که در پاسخ جلال به علل غرب‌زدگی ایران مطرح شد. او درصدد بود تا علل داخلی و خارجی غرب‌زدگی را بیابد و از این طریق کشور را که در فرهنگ غوطه‌ور شده رها کند. کتاب غرب‌زدگی جلال هم در راستای همین اندیشه به نگارش درآمد و در آن برای اولین بار و به طور صریح بر این موضوع صحنه گذارد. او مذهب را بهترین و کامل‌ترین راه‌حل برای بازگشت به خویشتن می‌دانست و با توجه به قیام ۱۵ خرداد، معتقد بود که روحانوت در این

فهرست منابع

۱. ۱. دانشنامه بزرگ اسلامی نویسنده، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱، ص ۳۶۲.
۲. محمدحسین جمشیدی و ابراهیم ایران نژاد، «چالش غرب گرایی و بازگشت به خویشتن در اندیشه جلال آل احمد» فصلنامه مطالعات ملی، سال دوازدهم، شماره ۲، (۱۳۹۰) ص ۷۶.
۳. محمد عبدالله پور چناری، «بازگشت به خویشتن به مثابه سنت برساخته (بررسی موردی آرای جلال آل احمد)» فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۶، شماره ۱، (بهار ۱۳۹۵)، صص ۱۵۴-۱۵۵.
۴. محمدحسین جمشیدی، همان، صص ۷۱-۷۰.
۵. جلال آل احمد، غرب‌زدگی، تهران، نشر خرم، ۱۳۸۵، ص ۷۶.
۶. رضا خلیلی، «غرب‌زدگی و هویت جلال آل احمد و پاسخ به پرسش عقب ماندگی» فصلنامه مطالعات ملی ۲۰، سال پنجم، شماره ۴، (۱۳۸۳) ص ۲۴.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49670/مفهوم-بازگشت-خویشتن-جلال-اندیشه-خویشتن-بازگشت-مفهوم>